

چکیده

شعر اعتراضی، نوع ادبی است که شاعر در آن از اوضاع و شرایط موجود انتقاد و برای تغییر آن راهکارهایی را بیان می‌کند. در ادب فارسی، از گذشته تا کنون شاعران بسیاری بنابر ویژگی‌های درونی و شرایط اجتماعی - سیاسی که در آن زیسته‌اند اشعاری در انتقاد از وضع موجود در زمینه‌های فردی و اجتماعی چون رذایل فردی، روابط اجتماعی، حکومت‌داری، رفتار حاکمان و ... سروده‌اند. ناصر خسرو قبادیانی و انوری از جمله شاعران ادب فارسی هستند که در زمانه‌ای پر آشوب از تاریخ ایران زیسته‌اند از این‌رو در اشعارشان نمونه‌هایی بسیاری از اعتراض به چشم می‌خورد. در این پژوهش نمودهای اعتراض در شعر قرون چهارم و پنجم هجری با تکیه بر سروده‌های این دو شاعر با روش توصیفی - تحلیلی و به هدف تبیین جایگاه آنان در شعر اعتراض بررسی شده است. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که هر دو شاعر به سه بخش اصلی اعتراض به روزگار، اعتراض به اطرافیان و اعتراض به خویش پرداخته‌اند. همچنین در این میان مشخص شد که ناصر خسرو به دلیل رویکرد مذهبی و شرایط نامناسب زندگی که در اواخر عمر دچار شده بود نسبت به مسایل مذهبی بیشتر با دیدی انتقادی نگریسته از این‌رو بیشترین تأکید او بر اعتراض به دنیاطلبان، نادانان و زاهدان و فقیهان است. در مقابل انوری که شاعری مداح بوده در بیشتر اشعار اعتراضی خود به اعتراض نسبت به ممدوحی که از حال مداح خود غافل مانده و همچنین شاعران و خادمان دربار که وظیفه‌ی خود را به درستی انجام نمی‌دهند پرداخته است.

واژه‌های کلیدی: ادبیات مقاومت، شعر متعهد، شعر اعتراضی، ناصر خسرو قبادیانی، انوری ایبوردی.